ضیافت نقش‌آفرینان سیما در سایه «بوستان»

رمضان۹۸ ستاره‌ساز نشد

عطیه موذن

بازیگران مطرح بسیاری امروز در سینما و تلویزیون مشغول به کارند که بهترین تجربه تصویری‌شان را در یک سریال یا کار مناسبتی در سیما ثبت کرده‌اند؛ مجموعه‌هایی که در مناسبت های ویژه‌ای همچون نوروز، محرم و به‌خصوص رمضان روی آنتن رفته و فرصتی برای بهتر «دیده شدن» هنر بازیگرانشان فراهم آوردند. این فرصت از آن حیث طلایی است که مخاطب خواه ناخواه در موعدی مانند شب‌های رمضان، پای شبکه‌های تلویزیونی می‌نشیند و در بازه زمانی پس از افطار با حوصله و زمانی فراخ‌تر از ایام معمول سال، در لابه‌لای برنامه‌های شبکه‌های مختلف در پی محتوای متناسب با ذائقه خود می‌گردد. رمضان امسال نیز تلویزیون این فرصت را در اختیار گروهی از بازیگران قرار داد تا در قالب سریال‌های ویژه این شب‌ها، فضایی برای آفرینش شخصیت‌های جدید و بازآفرینی قدرت بازیگری خود خلق کنند و شاید بتوانند در کنار دیگر خاطره‌سازان رمضان‌های گذشته، جایی در حافظه جمعی مخاطبان سیما به‌دست آورند. در آستانه آخرین هفته ماه رمضان و بالطبع آخرین شب‌های باقی‌مانده برای قدرت‌نمایی بازیگران در مجموعه‌های نمایشی سیما، در این گزارش ضمن مرور عملکرد ۱۰ بازیگری که به جهت فضای داستان و ظرفیت نقش، فرصت ویژه‌تری برای دیده و ماندگار شدن داشته‌اند، میزان توفیق یا عدم توفیق هر یک در استفاده از این فرصت طلایی را بررسی کرده‌ایم.

علی نصیریان/ کریم بوستان؛ در کلاس «بزرگ‌آقا»

کریم بوستان در روایت سریال «برادرجان» زندگی ساده‌ای دارد، همسر و یک پسر دارد و دختری را هم به فرزندی قبول کرده است. کریم رفاقتی دیرینه با حاج بدری و توکل داشته است؛ سه رفیق گرمابه و گلستان که در مقطعی از زندگی که در همان اولین قسمت سریال دیده شد، از کارهای خود توبه می‌کنند و عهدی می‌بندند تا زندگی درستی در پیش گیرند.

بوستان و بدری در تجارتی با هم شریک می‌شوند اما بعد از مرگ بدری به‌ظاهر سند و مدرکی از سهم بوستان در این شراکت باقی نمی‌ماند و به همین دلیل فرزندان بدری این سهم را انکار می‌کنند.

چالش اصلی کریم بوستان پایبندی به عهد برادری با بدری و حفظ حرمت خانواده و فرزندان او و همزمان تلاش برای احیای حقی است که خود بیش از همه به آن ایمان دارد. کارنامه بازیگر: نصیریان «قاضی شارع» را در قاب تلویزیون متولد کرد، او اگرچه قبل از انقلاب با تله تئاتر به تلویزیون آمده بود و تجربیاتی را مقابل دوربین پشت سر گذاشته بود اما «سربداران» اولین حضورش در یک مجموعه نمایشی به کارگردانی محمدعلی نجفی بود که نقش «قاضی شارع» را در آن جاودانه ساخت.

بعد از آن نصیریان یکی پس از دیگری نقش‌هایی ایفا کرد که در بیشتر آنها موقعیت‌هایی درخشان و دست نیافتنی خلق کرد و بی‌تردید از کارنامه بازیگری علی نصیریان هر چقدر بنویسیم و هر چقدر هم از حضورش در سریال‌های منحصر به فرد از «هزاردستان» علی حاتمی گرفته تا «گرگ‌ها» ی داوود میرباقری و «شیخ بهایی» شهرام اسدی و...، بگوییم باز هم کم گفته‌ایم. به ویژه که بخشی از هنر این استاد پیشکسوت بر صحنه تئاتر و در عرصه سینما نیز رقم خورده است.

اینجا می‌توان از سریال ماه رمضانی «میوه ممنوعه» ساخته حسن فتحی هم یاد کرد که این بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون در آن نقش «حاج یونس فتوحی» را خلق کرد و شمایلی از یک فرد معتقد اما مردد بر سر دوراهی دین و عشق را به نمایش گذاشت. او در «میوه ممنوعه» نقش بازرگانی را داشت که به اصول دینی معتقد است و همه او را به دین‌داری و صداقت می‌شناسند، اما در دوران کهنسالی اسیر عشق دختر جوانی می‌شود و مخاطب را در برابر این موقعیت چالشی قرار می‌دهد.

نصیریان بعد از این سریال در معدود سریال‌ها و تله فیلم‌هایی به ایفای نقش پرداخت اما پررنگ‌ترین حضور وی در عرصه مجموعه‌های نمایشی بعد از حاج یونس به نقش بزرگ آقا در «شهرزاد» برمی‌گردد که باز هم در همکاری دیگری با حسن فتحی و در سن ۸۴ سالگی نقش ماندگار دیگری را خلق کرد. این قصه در دهه ۴۰ روایت شد و در آن نصیریان خالق نقشی مقتدر با نام بزرگ آقا بود که توانست نوعی پدرخوانده ایرانی را هم بازآفرینی کند.

آنالیز حضور در ویترین رمضان ۹۸: کریم بوستان حالا نام کاراکتری تازه با شمایل علی نصیریان در قاب تلویزیون است؛ مثل همه نقش‌هایی که نصیریان بازی کرد و جزیی از او شدند حالا او کریم بوستان شده است تا پروسه تلاش برای احیای یک حق پایمال شده را نشان دهد و مخاطب را در برابر این موقعیت که شاید در وهله اول خیلی هم مهم نباشد بگذارد. او با توانمندی خود توانست بر بار اهمیت این حق خواهی چندین ساله بیفزاید و موقعیتی را برای مخاطب تصویر کند.

کریم بوستان در یکی از قسمت‌های این سریال می‌گوید «با همون دل و جرئت که بلدم از مال دنیا بگذرم، بلدم بایستم و حقم رو بگیرم» و همانقدر که این دیالوگ می‌تواند ابعاد چند بعدی شخصیت بوستان را نمایش دهد نصیریان هم توانسته این ابعاد چندگانه را در بازی خود به تصویر بکشد.

بازی نصیریان در احقاق حق خود، تقابل با فرزندش ستار که در مواقعی ناصواب گام برمی‌دارد و یا برخورد با چاوش (فرزند ارشد بدری) که حقش را خورده است، از سکانس‌هایی است که نمایشگر اقتدار بازیگری او بوده است. دیالوگ های خاص سعید نعمت الله در این سریال اگر گاهی با بیان برخی از بازیگران نخواند اما هیچ گاه از بیان این بازیگر خارج نمی شود و آنقدر در ادا کردنشان از آن او شده است که انگار برای خود او نوشته شده اند.

حضور نصیریان برگ برنده تلویزیون در میان چهره‌های رمضان ۹۸ بوده است که توانست واکنش و تحسین دیگر چهره‌ها و هنرمندان را هم به دنبال داشته باشد.

حسام منظور/ چاووش؛ چالش با خاطره شازده

نقش چاوش را در «برادرجان» دارد؛ فرزند ارشد حاج بدری و برادر بزرگ‌تری که از همان ابتدای یتیم شدن، تلاش کرده است برای خواهر و برادرهایش بزرگ‌تری کند تا آنجا که تن به حق خوری داده اما حتی نمی‌خواهد گناه این حق خوری و حق کشی به نام دیگری نوشته شود و پای دیگری به چنین کارهایی باز شود. چاووش مردی است که خودش می‌داند ۱۵ سال است که در حال تاوان دادن است و آنقدر خواهر و برادرانش را دوست دارد که نه حاضر است کسی در چنین تاوانی با او شریک شود و نه حاضر است حق خورده را به پای آبروی خود هزینه کند؛ این البته ویژگی‌هایی است که از چاوش در قسمت‌های اولیه سریال می‌بینیم؛ اینکه عاشق همسرش است، در اینکه مالش را از دست ندهد لجاجت دارد و درباره حنیف که برادرخوانده اش است تاکید می‌کند که از همه دنیا برایش بس است.

چاوش هر چند در ابتدا تصویری مثبت در روایت داشت و آرام‌آرام این سفیدی به خاکستری گرایید؛ در فرازهای پایانی داستان کم‌کم دارد تبدیل به چهره‌ای کاملاً منفی و حتی منفور می‌شود. پای یک زن دیگر به داستان او باز می‌شود، برادرش حنیف را به آتش زدن خانه همسرش اجبار می‌کند و از برادرش آراز به راحتی دست می‌کشد. کارنامه بازیگر: حسام منظور تا قبل از سال ۹۷ به عنوان یک بازیگر تئاتر شناخته می‌شد و اگرچه که تا قبل از آن در چند فیلم و سریال در نقش‌های کوتاه حضور داشته اما سال ۹۷ و ظاهر شدن در نقش «شازده ارسلان» در سریال «بانوی عمارت» موفقیت چشمگیری را نصیبش کرد. موفقیتی که باعث شد هم از طرف مخاطبان تلویزیون مورد توجه قرار بگیرد و هم تندیس جشنواره جام جم را از آن خود کند و هم چندین فیلمنامه سینمایی و تلویزیون به او پیشنهاد شود.

آنالیز حضور در ویترین رمضان ۹۸: چهره و گریم منظور از «بانوی عمارت» تا «برادرجان» تفاوت چندانی نکرده است و اگر کلاه قاجاری‌اش را بر سر بگذارد، همان شمایل را تداعی می‌کند که البته احتمالاً برای حفظ اقتدار و هیبتی است که باید در سریال می‌داشت. منظور اینجا نقش کاسب میدان تره بار را دارد با همان صدای کلفت، با همان کت بر شانه انداخته و لحن و بیانش هم بیشتر چاله میدانی شده است. او در ارایه نقش‌های پرابهت و مقتدرانه توانمند است و خشم و دگرگونی حالش را به خوبی می‌تواند عیان سازد با این همه قرار گرفتن در سایه نقش «شازده» تاحدودی او را در معرض تهدید تکرار هم قرار داده است. توانمندی حسام منظور در ایفای نقش چاووش، تا به اینجای کار هنوز نتوانسته‌است محبوبیتی هم‌تراز با «شازده» را برای او رقم بزند و احتمالاً هنوز مخاطبان سیما ترجیح می‌دهند او را در قامت ارسلان در حافظه خود ثبت کنند.

کامران تفتی/ حنیف؛ آزمون و خطا در شرارت

حنیف برادر ناتنی چاووش است. برادرخوانده‌ای که نزدیک‌تر از برادر و فراتر از یک هم‌خون خود را فدایی چاووش می‌داند. ویژگی اصلی حنیف «بی‌کله» بودن است، او در موقعیت‌های حساس، با تکیه بر احساسی که به برادر دارد اقدام می‌کند و غالباً هم تصمیماتش منتهی به اقدامات غیرعاقلانه می‌شود. در روند داستان و با باز شدن پای «منیژه» زن مطلقه‌ای که به عقد حنیف درآمده اما دیگران اطلاعی از آن ندارند، چالش‌ها و گره‌های اصلی این کاراکتر در داستان «برادرجان» پررنگ‌تر شده است. با این حال حنیف که او را دوست دارد باز هم اینجا در کشاکش عشق و خون برادری، برادرش را ترجیح می دهد و تا آنجا پیش می رود که در خانه همسری که قرار است به خاطر چاووش طلاقش دهد بنزین بریزد.

حنیف موتور محرکه داستان در فرازهای مختلف تا به اینجا بوده و معمولاً به‌واسطه رفتاری خارج از قواعد و منطق حاکم بر داستان، گره تازه‌ای را به روابط کاراکترهای دیگر درگیر در ماجرا افزوده است.

کارنامه بازیگر: کامران تفتی بیش از دو دهه است که کار خود را از تلویزیون آغاز کرده است و در این سال‌ها در سریال‌های متعددی از پروژه‌های تاریخی گرفته تا پلیسی و ملودرام بازی کرده است که شمار آنها به عدد ۳۰ می‌رسد.

از جمله سریال‌هایی که بازی تفتی در آن بیشتر دیده شد مجموعه «خواب و بیدار» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده بود که در فضایی پلیسی ساخته شد و زمان پخش مخاطبان بسیاری را با خود همراه کرد. تقریباً می‌توان گفت تلویزیون در این ۲۰ سالی که تفتی وارد آن شده از حضور وی خالی نبوده است اما شاید آنچنان که باید حضورش به چشم هم نیامده است.

تفتی هم اکنون هم در تلویزیون حضوری افزون دارد که از اجرا در «وقتشه» و «دل صدا» گرفته تا بازی در ۲ سریال رمضانی را شامل می‌شود و شاید این حجم از حضور برای خودش یک ریسک محسوب شود و مخاطب را دلزده کند. آخرین حضور این بازیگر در تلویزیون هم به سریال «سر دلبران» ساخته محمدحسین لطیفی می‌رسد که ماه رمضان سال گذشته از شبکه یک پخش شد.

آنالیز حضور در ویترین رمضان ۹۸: کامران تفتی امسال با ۲ سریال رمضانی در قاب تلویزیون دیده می‌شود اولی نقش حنیف است که در «برادرجان» دارد و دومی سریال «از یادها رفته» است. البته نقش وی در هر دو تقریباً مطیع کاراکتر دیگر است در اولی برادر ناتنی چاوش که خود را فدایی خان داداش می‌داند و در دومی فرمانبردار حسین یاری با نقش خسرو. البته وی به خوبی توانسته است تفکیکی میان دو نقش خود ایجاد کند و مخاطب اگرچه بازیگری با ویژگی های کاراکتری مشابه می بیند اما این تشابه برایش آزاردهنده نیست.

سال گذشته سریال «بی قرار» ساخته فلورا سام بعد از پنج سال در تلویزیون پخش شد که کامران تفتی بازیگر آن بود. شاید با یک مقایسه میان آن تفتی و بازیگری که این شب‌ها از تلویزیون می‌بینیم بتوان به این نتیجه رسید که تفتی در «برادرجان» توانسته رشد قابل قبولی داشته باشد با این حال هنوز انتظار بیشتری از وی با توجه به ظرفیت‌های نقشش در «برادرجان» می‌رود. نقشی که بیشترین بدجنسی را برای یک برادر عاشق متصور بوده است و از همان ابتدا تکلیفش با نقش مشخص تر از باقی کاراکترهاست؛ اینکه او چاووش را می خواهد و به خاطرش هر کاری می کند.

نسیم ادبی/ عاطفه؛ یک چالش خواهرانه

عاطفه یکی دیگر از کاراکترهای کلیدی «برادرجان» تا به اینجای روایت بوده است؛ خواهر چاوش و آراز و خواهر ناتنی حنیف. دختری که می‌گوید حتی اگر حق با برادرش چاوش نباشد باز هم پشت او می‌ایستد و از برادرش دفاع می‌کند. عاطفه که گویی نجات شوهرش رسول از دام اعتیاد و بازگشتش به زندگی را مدیون برادر ارشدش است، حالا تلاش دارد به رغم تمام دست‌اندازهای پیش رو و واقعیت‌های تازه‌ای که به آن پی برده است، به پای برادر بایستد. او جایی در میانه یک دعوای مردانه ایستاده اما نمی‌تواند چشم بر گرایشات خواهرانه و زنانه خود ببندد.

کارنامه بازیگر: نسیم ادبی بیشتر پیشینه‌ای تئاتری دارد و تقریباً از سال ۷۰ بر صحنه تئاتر حضور دارد. وی در تلویزیون هم در سریال‌هایی چون «حلقه سبز» ابراهیم حاتمی کیا، «چک برگشتی» سیروس مقدم و چند مجموعه دیگر حضور داشته است با این حال شاید پررنگ‌ترین نقش وی که در خاطر مخاطب مانده است به حضورش در سریال «شهرزاد» ساخته حسن فتحی برگردد که در شبکه نمایش خانگی ساخته شد. نسیم ادبی در این سریال نقش خواهر بزرگ‌تر شهرزاد با بازی ترانه علیدوستی را ایفا می‌کرد که رفتارهایش بیشتر در مخالفت با تصمیمات شهرزاد بود.

آنالیز حضور در ویترین رمضان ۹۸: نسیم ادبی نقش خواهری دارد که عاشق برادرانش است و نمی‌خواهد بین آنها تفرقه بیفتد پس با هر زبانی به تندی و نیش و کنایه سعی می‌کند این رابطه را حفظ کند. ادبی بازیگر تئاتر است و بازی‌هایش بیشتر بر پایه صحنه و بزرگ نمایی‌های تئاترهای فاخری که بازی کرده است پیش می‌رود و نیاز است که کارگردان در سریال‌ها کنترل بیشتری روی نقش‌های وی داشته باشد، با این حال در «برادرجان» توانسته است کنترل بهتری روی این بزرگ نمایی در بازی‌ها داشته باشد.

حضور در برادرجان، تا اینجا فرصتی بوده تا نسیم ادبی بخش دیده نشده‌ای از توانمندی‌هایش در بازیگری را به نمایش بگذارد اما هنوز تا خاطره‌سازی و ثبت در حافظه جمعی مخاطبان سیما، راهی طولانی پیش رو داد و بیشتر به خواهرشوهری عبوث تبدیل شده است که حتی مهرورزی اش هم با طعنه و کنایه و چشم و ابروهایی است که برای طرف مقابلش می آید و مخاطب گاهی احساس می کند چرا باید حتی معمولی ترین دیالوگ ها با این حجم از میمیک صورت در کنایه زدن همراه باشد.

هلیا امامی/ مهربانو؛ در میانه عشق و سیاست

نقش اول قصه «از یادها رفته» است؛ قصه‌ای که در سال ۱۳۱۹ و در مقطع کشف حجاب رخ می‌دهد و مهربانو طی آن به عنوان ندیمه دختری از طبقه بالاتر از خودش به فرنگ می‌رود اما همزمان با او در فرانسه تحصیل می‌کند. او به همراه فروغ به وطن بازمی گردد و در یک روزنامه عکاسی می‌کند و با چالش‌های وقت کشور از جمله کشف حجاب مواجه می‌شود؛ چالش‌هایی که قرار است در مسیر شخصیتی او در ادامه داستان تاثیرگذار باشد اما هنوز شمایلی از این تاثیرگذاری در قسمت های پایانی این قصه دیده نمی شود. مهربانو در این قصه درگیر دو رابطه عاشقانه هم می‌شود که در اولی مهراد از او خواستگاری می کند و در دومی که خودش هم علاقمند می‌شود خسرو وارد میدان عاشقانه زندگی او می‌شود. با این حال عشق واقعی اولی را خودش نمی‌پذیرد و در دومی پی می‌برد که عشق به خودش نبوده و متکی به عکسی از همسر سابق خسرو بوده است.

کارنامه بازیگر: هلیا امامی کار خود را در سینما از سال ۹۲ آغاز کرد و حضورش در عرصه تصویر چندان دور نیست. اولین سریال وی در تلویزیون «لژیونر» بود که به کارگردانی مسعود آب پرور در شبکه پنج سیما روی آنتن رفت و احتمالاً چندان در خاطر کسی نباشد. وی اما در فیلم «داش آکل» که در آنجا نیز حسین یاری حضور داشت به ایفای نقش پرداخت؛ نقش وی در این فیلم بیشتر به چشم آمد اما «از یادها رفته» اولین حضور وی با نقشی اصلی در تلویزیون است.

آنالیز حضور در ویترین رمضان ۹۸: بخشی از حضور بازیگران در هر سریالی به نقش وابسته است و شخصیتی که بازیگر قرار است خالق آن باشد و شاید هلیا امامی می توانست با این نقش خود را به اثبات برساند درحالیکه هرچه فراز و فرود داستان و موقعیت های چالشی و اتفاقات قصه پیش رفت و ظرفیت های جدیدی را در اختیار وی قرار داد او کمتر توانمندی خود را به نمایش گذاشت.

امامی در قامت نقش اول یک سریال نتوانست در سبک بازی، آنچنان که باید توانمندی خود را برای مخاطب عرضه نکند و انتظار مخاطب را برآورده نکرد. مخاطب حتی نتوانست با این بازیگر همذات پنداری کند. او در موقعیتی که فکر می کند خسرو همسر دارد به گریه و ادای دیالوگ ها همراه با جیغ کشیدن، می افتد و در نهایت از پس این نقش برنمی آید.

رضا یزدانی/ مهراد؛ زیر مشت روزگار!

مهراد جوانی از طبقه مرفه است که در کنار تجارت تریاک، ورزش تفریحی و حرفه‌ای او مشت زنی و بوکس است. او عاشق مهربانو شده است و می‌خواهد هر طور شده دل مهربانو را به دست بیاورد. مهراد یک رقیب عشقی هم دارد که خسرو است و با ورود او به داستان مهربانو دلباخته خسرو می‌شود. مهراد در تکاپو برای عبور از سد این رقیب و دست و پنجه نرم کردن با ناملایمات در یک رقابت سنگین جان می‌سپارد تا مسیر داستان در نبود او تغییر کند.

کارنامه بازیگر: رضا یزدانی خواننده پاپ- راک با فیلم «حکم» مسعود کیمیایی به سینما وارد شد. وی بیشترین تیتراژ فیلم‌های سینمایی را خوانده است و اولین تیتراژ تلویزیونی اش هم سریال «مرگ تدریجی یک رویا» به کارگردانی فریدون جیرانی بود که با اقبال مواجه شد. یزدانی همانطور که گفته شد بیشتر در نقش خودش یعنی یک خواننده در فیلم و سریال‌ها حضور پیدا کرده است و شاید «از یادها رفته» جزو اولین کارهای جدی وی در حوزه بازیگری باشد که نسبتی با خوانندگی ندارد.

حضور جدی این خواننده در سینما به فیلم‌هایی چون «تهران طهران» و «تیک آف» برمی گردد. یزدانی آخرین بار در سریال «تعطیلات رویایی» به کارگردانی علیرضا امینی به ایفای نقشی کوتاه پرداخت که البته خود سریال اثر چندان موفقی نبود و حضور او هم نتوانست تاثیری در میان دیگر آثار کارنامه اش داشته باشد. آنالیز حضور در ویترین رمضان ۹۸: معمولاً بیشتر نقش‌هایی که بازی می‌کرد با خوانندگی‌اش ارتباط داشت و شاید مهراد در «از یادها رفته» جزو اولین بازی‌های این خواننده در نقشی باشد که هیچ ارتباطی با خوانندگی ندارد.

حضور رضا یزدانی در نقش مهرادِ عاشق پیشه، پسری که می‌ترسد حتی در ابتدا خواستگاری خود را به مهربانو اعلام کند نه تنها موفقیت آمیز نبود بلکه یزدانی برای بازی در کارهای بعدی باید آنقدر با وسواس این گزینش را انجام دهد تا بتواند حضور فعلی خود را جبران و خود را در مقام بازیگر احیا کند. چهره‌پردازی مهراد (با ابروهای تر و تمیز!)، ادبیات و لحن و حتی نوع نگاه‌های عاشقانه او وقتی می‌خواهد با مهربانو به عنوان معشوقه خود حرف بزند کمتر می‌تواند مخاطب را پذیرای این شخصیت کند. هرچند در طول سریال قطعاتی با صدای یزدانی پخش می‌شود اما دلیل اصلی وی برای قبول این نقش و مهمتر از آن دلیل پیشنهاد این نقش از سوی عوامل مجموعه «از یادها رفته» به او مشخص نیست! البته مهراد در اولین قسمت از سریال به نوعی به کار موسیقی و آواز هم اشاره می‌کند و می‌گوید طبقه‌ای از خانه‌اش را به خانه موسیقی تبدیل کرده و آواز یاد گرفته است اما در طول کار بیشتر شخصیت تجاری و حتی ورزشی وی را می‌بینیم تا خوانندگی.

با مرگ مهراد در داستان، یزدانی عملاً از تمام فرصتش برای دیده و پسندیده شدن در قامت یک بازیگر در این سریال استفاده کرده و دیگر نمی‌توان امیدی به تغییر شرایطش داشت. باید دید در ادامه او دست به چه انتخاب‌هایی می‌زند و آیا هنوز اصرار دارد در کنار خوانندگی، بازیگری را هم تجربه کند؟

حسین یاری/ خسرو؛ یک عاشقانه نه‌چندان متفاوت

خسرو ضلع دیگر مثلث عاشقانه «از یادها رفته» است. خسرو در اولین سکانس برخورد با مهربانو، او و زن دیگری را که به دلیل مخالفت از قانون کشف حجاب دستگیر شده‌اند نجَات می‌دهد و در ادامه قصه کار به خواستگاری از مهربانو می‌کشد. با مرگ مهراد، نقش خسرو در داستان پررنگ‌تر شده و به‌نوعی می‌توان او را نقش اصلی سریال در قسمت‌های متأخر دانست.

خسرو هم تجارت تریاک می‌کند اما شخصیت، تجارت و کار او با پیچیدگی‌هایی همراه است و در طول سریال بیشتر می‌شنویم که پشتش به بالایی‌ها گرم است. او در یکی از قسمت‌های سریال با پاپوش مهراد دستگیر می‌شود و در صحنه‌ای از حضورش در زندان از نگهبان می‌خواهد تا بتواند نماز بخواند. با این حال با پیشرفت قصه پی می‌بریم که او هم از بدمن‌های قصه است و شاید تناقض‌های شخصیتی او مخاطب را بیشتر گمراه کند که اگر تجارت تریاک دارد و هرکسی را که مقابلش بایستد به راحتی کنار می‌زند گنجاندن صحنه نماز خواندنش در زندان برای چه بوده است!؟

کارنامه بازیگری: خیلی‌ها هنوز خاطره «حیدر خوش مرام» از لات‌های تهران قدیم را به یاد دارند. جوانی که عاشق دختری از خانواده قاجار بود که نقشش را کتایون ریاحی بازی می‌کرد. حسین یاری با نقش حیدر در سریال محرمی «شب دهم» به اوج محبوبیت خود برای مخاطب تلویزیون رسید. این سریال مناسبتی سال ۸۰ روی آنتن رفت که ماه محرم با نوروز همزمان شده بود و قصه آنکه درباره برگزاری ۱۰ شب تعزیه توسط حیدر بود اقبال زیادی بین مخاطبان پیدا کرد.

حسین یاری از دهه ۶۰ در عرصه سینما و تلویزیون مشغول به کار بوده است و در سینما حضور پررنگ‌تری هم داشته است. حضور وی در تلویزیون به سریال‌های «روشن‌تر از خاموشی» و «مردان آنجلس» برمی گردد و این سال‌ها هم در سریال‌های مختلفی حضور داشته است که از آخرین سریال‌های رمضانی وی می‌توان به «برادر» به کارگردانی جواد افشار اشاره کرد که اتفاق چشمگیری را برایش رقم نزد.

این بازیگر در عرصه شبکه نمایش خانگی نیز فعالیت پررنگی داشته است که از «قلب یخی» تا «عاشقانه» را شامل می‌شود و این روزها در سریال «نهنگ آبی» به کارگردانی فریدون جیرانی به ایفای نقش می‌پردازد.

آنالیز حضور در ویترین رمضان ۹۸: در مقایسه میان دو رقیب عاشق مهربانو، یاری بازی قابل باورتری را نسبت به یزدانی از خود بروز داده است و در میان بازیگران نسل جوان این سریال نیز بهتر به ارایه نقش خود پرداخته است با این حال برای مخاطبی که یاری را از «شب دهم» فتحی به خاطر دارد این نقش و موقعیت نتوانست درخشش دوباره ای برایش رقم بزند.

میترا حجار/ فروغ؛ بازیگر نقش فروغ

فروغ دختری از طبقه اعیان در خانواده‌ای در سال ۱۳۱۹ است که به فرانسه رفته تا پزشک شود و بعد از بازگشت به ایران در بیمارستانی مشغول به کار می‌شود که منجر به خانه‌نشینی جراح معروف آن با بازی حسین پاکدل می‌شود. فروغ خواهر مهراد است و بعد از مرگ او حضورش در قصه همچنان ادامه دارد و به دنبال کشتن قاتل برادرش برمی‌خیزد. کارنامه بازیگر: میترا حجار بیشتر بازیگر سینماست تا تلویزیون و در نقش‌های کمی در سریال‌هایی مثل «باغ بلور» به کارگردانی رامبد جوان و یا «دیوار به دیوار» ساخته سامان مقدم ظاهر شده است.

این بازیگر البته در سریال «سرزمین کهن» نیز به ایفای نقش پرداخته است که با حاشیه‌های زیادی در پخش مواجه شد و هنوز رنگ آنتن را به خود ندیده است. حجار طی یک سال گذشته حضور پررنگی در سریال‌های تلویزیونی و شبکه نمایش خانگی داشته است که شامل حضور در «بر سر دوراهی» بهرنگ توفیقی، «رقص روی شیشه» اثر مهدی گلستانه و «از یادها رفته» بهرامیان می‌شود که اولی نوروز امسال در شبکه دو پخش شد و می‌توان از آن به عنوان آخرین حضور تلویزیونی اش اشاره کرد.

آنالیز حضور در ویترین رمضان ۹۸: حتی برای مخاطبی هم که در جریان رابطه خواهر و برادری مهراد و فروغ در سریال «از یادها رفته» است این سوال مطرح می‌شود که دلیل ادبیات و لحن فروغ در مراوده با برادرش چیست؟ لحنی که بیشتر می تواند تداعی گر ارتباط با نامزد یا خواستگار باشد.

حجار نوروز امسال در سریال «بر سر دوراهی» نقش زنی اغواگر را بازی کرد و نقش وی در سریال «رقص روی شیشه» نیز بی شباهت با دو سریال اخیرش نبوده است. حجار که شاید بیشتر مخاطبان او را از سینمایی «اعتراض» مسعود کیمیایی به یاد آورند گویی بیشتر در قالب نقش زنان عشوه گر فرورفته است حتی اگر این نقش ارتباطی با شخصیتی که بازی می‌کند نداشته باشد!

میترا حجار از بازیگران باسابقه‌ای است که در ویترین رمضان ۹۸ فرصت احیای خود را از دست داد و نتوانست خاطره‌ای تازه را در کارنامه بازیگری خود ثبت کند با این حال با مرگ مهراد و جدی شدن نقش وی در قصه و رنگ باختن لبخندهای مصنوعی، بهتر توانست موقعیت یک خواهر عزادار و به دنبال احیای خون به هدر رفته برادرش را بازی کند.

محمدرضا غفاری/ آرش؛ دغدغه‌های یک قاتل معمولی!

آرش نقش اصلی سریال «دل دار» به کارگردانی برادران محمودی را برعهده دارد. او دانشگاه را به خاطر بیماری مادرش رها کرده است و حالا با موتور کار می‌کند. آرش عاشق روناست که نقش وی را سوگل خلیق بازی می‌کند اما از آنجایی که از دو طبقه متفاوت هستند مشکلاتی برای ازدواجشان از طرف هر دو خانواده وجود دارد. او با طراحی یک اپ با مدیریت برادر رونا و شراکت رونا، کسب و کاری راه می اندازد که اتفاقاً در طول قصه به تدریج این کسب و کار می گیرد اما به همان میزان آرش با مشکلات جدیدی رو به رو می شود. اصلی‌ترین چالش کاراکتر آرش در داستان «دلدار» از جایی شکل می‌گیرد که او در یک درگیری در دفاع از حقوق خواهرش، مرتکب یک قتل غیرعمد می‌شود، ردی از خود باقی می‌گذارد و همین سبب می‌شود او همزمان با فرار از عذاب وجدان ناشی از یک قتل، وارد بازی پرداخت حق‌السکوت شود. از طرفی نمی‌داند با جرم مرتکب شده چه آینده‌ای برای خود رقم بزند و از طرفی می‌خواهد رونا را از خود براند تا اگر به زندان رفت به پای او نسوزد. حالا همسر سابق رونا ماجرا را می‌داند و سامان فرد مورد علاقه خواهرش شادی به جای او در بازداشتگاه است و او باید در میان همه این اتفاقات جدید تصمیم های جدیدتری بگیرد. کارنامه بازیگر: محمدرضا غفاری کار خود را در عرصه تصویر با فیلم سینمایی «رویای خیس» به کارگردانی پوران درخشنده آغاز کرد و بیشتر بازیگری سینمایی محسوب می‌شود. این بازیگر پیش از این تنها دو سریال در تلویزیون داشته است که یکی از آن‌ها با نام «سایه‌بان» باز هم در همکاری با برادران محمودی شکل گرفت و دیگر «آشپزباشی» است که حضور موفق‌تری را برایش رقم زد. آنالیز حضور در ویترین رمضان ۹۸: محمدرضا غفاری معمولاً بازی‌های یکدست و یکنواختی دارد. نقش وی اینجا یک جوان عاشق از خانواده‌ای جنوب شهری است. او عاشق دختری است که از طبقه‌ای مرفه است و چالش‌های مختلفی از جمله دعوا با نامزد سابق رونا را دارد و یا درگیر مشکلات خواهرش شادی می‌شود. حجم اتفاقاتی که آرش با آن‌ها روبروست این امکان را به او می‌دهد که بتواند قابلیت‌های مختلفی در این چالش ها از خود بروز دهد اما غفاری کمتر از این پتانسیل استفاده کرده است.

نکته مهم درباره کاراکتر آرش که بخشی از آن می‌تواند ریشه در ضعف فیلمنامه داشته باشد و سهم غفاری در آن اندکی کم‌رنگ‌تر است، عبور فوری این کاراکتر از چالش عذاب وجدان انجام یک قتل و تبدیل شدن تلاش برای مخفی‌نگه داشتن داستان، به دغدغه اصلی اوست؛ نکته‌ای که از جهت شخصیت‌پردازی برای کاراکتری با شناسنامه او کمی بعید و عجیب به نظر می‌رسد. با این حال وی در تمام این چالش های داستانی آرش خنثی ای است که فقط می تواند به شدت عصبانی شود.

حسام محمودی/ سامان؛ در مرز علاقه و انتقام

شادی خواهر آرش خاطرخواه اوست؛ او را با نام سامان می‌شناسد اما در ادامه داستان می‌فهمیم نام اصلی اش امیر است. سامان و شادی در یک شرکت با هم آشنا می‌شوند که مشخص می‌شود سامان به دلیل تسویه حساب‌های شخصی با پژمان به این شرکت آمده است.

سامان حضوری پیش‌برنده برای یکی از خطوط داستانی فرعی سریال داشت اما پس از به قتل رسیدن پژمان (با بازی نیما رئیسی) به جهت اختلافات قبلی، سامان تبدیل به متهم اصلی شد و نقش پررنگ‌تری در داستان پیدا کرد. آشکار شدن سابقه آشنایی سامان با خانواده پژمان و نمایان شدن رگه‌هایی از انگیزه انتقام برای دست زدن به یک قتل، موقعیت دراماتیک ویژه‌تری به او بخشید. کارنامه بازیگر: حسام محمودی هم پیش از این در سریال قبلی برادران محمودی در تلویزیون با نام «سایه‌بان» بازی کرده بود. وی همچنین پیش از این در سریال‌هایی چون «زعفرانی»، «شکوه یک زندگی» و «گاهی به پشت سر نگاه کن» و چند فیلم سینمایی حضور داشته است.

با این حال آخرین و پررنگ‌ترین حضور وی در سریال «لحظه گرگ و میش» به کارگردانی همایون اسعدیان بود که سال گذشته از شبکه سه سیما پخش شد و او را تبدیل به چهره‌ای آشنا برای مخاطبان سیما کرد. آنالیز حضور در ویترین رمضان ۹۸: اگرچه محمودی در سریال «لحظه گرگ و میش» حضور تاثیرگذاری داشت و همان‌طور که اشاره شد، از مرحله آشنا بودن چهره‌اش برای مخاطبان عبور کرد اما قالب نقشی که بازی می‌کرد کمتر در میان شخصیت‌های قصه دیده شد و بیشتر کلیشه یک مرد بازگشته از جنگ که حالا یک دستش را هم از دست داده است و قرار است با تلخی آن بسازد را تداعی کرد. در سریال «دل دار» اما محمودی حضور موفق‌تری تا به اینجا داشته و توانسته است مرز میان علاقه، منفعت‌طلبی و انتقام را در بازی‌های خود به خوبی نشان دهد. حضور کم‌فروغ مجموع بازیگران سریال «دلدار» این فرصت ویژه را به محمودی به عنوان یکی از نقش های اصلی و غفاری به عنوان نقش اول سریال داده است تا با اندکی تفاوت در ایفای نقش در مجموع دیده شوند و لااقل کارنامه‌شان در این گزارش مورد بازخوانی و آنالیز قرار بگیرد.

خبرها

مرتضی کلانتریان درگذشت

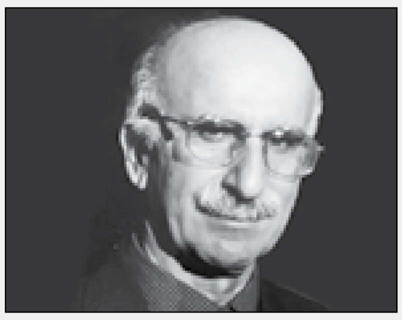

بخش فرهنگی- مرتضی کلانتریان در سن ۸۷سالگی از دنیا رفت.

پسر این مترجم که صبح دیروز (یکشنبه، ۱۲ خردادماه) از دنیا رفته است، درباره علت درگذشت او گفت که برای صحبت حال مساعدی ندارد.

مرتضی کلانتریان (متولد ۱۳۱۱، تنکابن) پس از پایان تحصیلات متوسطه، در رشته حقوق مشغول به تحصیل شد. دکترای حقوق را از دانشگاه پاریس گرفت و بعد از بازگشت به ایران به عنوان قاضی دادگستری مشغول کار شد. مدتی پس از بازنشستگی به کار وکالت پرداخت، اما وکالت را نیز ادامه نداد و به ترجمه متون ادبی و حقوقی روی آورد. از آثار کلانتریان به این کتاب‌ها می‌توان اشاره کرد: «وجدان زنو» از ایتالو اسووو، انتشارات آگاه، «سیمای زنی در میان جمع» نوشته هاینریش بل، نشر آگه، «نقطه ضعف» نوشته آنتونیس ساماراکیس، انتشارات آگاه، «ظرافت جوجه تیغی» نوشته موریل باربری، انتشارات کندوکاو، «دیدار به قیامت» اثر پی‌یر لومتر، نشر آگاه، «ادبیات و حقوق» اثر فلیپ مالوری، «افسانه پدران ما» نوشته سورژ شالاندن، «اندیشه‌های حقوقی» اثر فلیپ مالوری، «بازگشت به کیلی‌بگز» نوشته سورژ شالاندن، «بررسی یک پرونده قتل» اثر میشل فوکو، «بشریت و حاکمیت‌ها» اثر مونیک‌شمیلیه ژاندرو، «رساله‌ای کوچک در باب فضیلت‌های بزرگ» نوشته آندره کنت – اسپونویل، «رویا و تاریخ (آمریکا در ۲ قرن)» کلود ژولین و «قرارداد اجتماعی» (متن و در زمینه متن) از ژان‌ژاک روسو.

قاسم غریفی درگذشت

بخش فرهنگی- قاسم غریفی مترجم آثار ادبیات نمایشی در پی ابتلا به بیماری درگذشت.

به گزارش مهر، قاسم غریفی مترجم آثار و کتاب‌های ادبیات نمایشی جهان، عصر شنبه ۱۱ خرداد در پی عوارض ناشی از بیماری، درگذشت.

غریفی متولد سال ۱۳۳۰ در خرمشهر بود که دارای مدرک کارشناسی هنر، بود و به کارگردانی، نمایشنامه‌نویسی، طراحی صحنه و بازیگری هم اشتغال داشت. او از ۲۰ سالگی کار ترجمه را با دو زبان انگلیسی و عربی آغاز کرد و ترجمه‌هایش از نمایشنامه‌های «عشق» در سال ۶۱ و «تراژدی مرد شیرخرما فروش فقیر» در سال ۶۲ با کارگردانی خودش در مجموعه تئاتر شهر اجرا شدند.

این مترجم علاوه بر ترجمه انگلیسی متون ادبیات نمایشی، از نویسندگان نامدار عرب چون توفیق الحکیم و سعدالله ونوس پایه‌گذار تئاتر مدرن سوریه ترجمه کرده است. غریفی معتقد بود آثار خوب ادبیات داستانی و ادبیات نمایشی جهان به دلیل کمیاب‌بودن و نداشتن ترجمه‌های خوب، در بازار نشر کشور کمیاب شده‌اند. «کارگردانی نمایشنامه به زبان ساده»، «عشق و دو نمایشنامه دیگر»، «شمس و قمر: نمایشنامه آفتاب و مهتاب»، «تراژدی مرد شیره خرما فروش فقیر و دو نمایشنامه دیگر» و «الکترا» برخی از کتاب‌هایی هستند که با ترجمه غریفی عرضه شده‌اند.

قاسم غریفی از ۳ سال پیش دچار سکته مغزی و بستری شد. در نتیجه عوارض این بیماری، این مترجم دیروز شنبه ۱۱ خرداد چشم از جهان بست.

مراسم تشییع پیکر غریفی دوشنبه ۱۳ خرداد از ساعت ۱۰ صبح به سمت بهشت‌زهرا آغاز می‌شود. مراسم یادبود این مترجم نیز روز سه‌شنبه ۱۴ خرداد از ساعت ۱۵ تا ۱۶:۳۰ در مسجد ولی‌عصر (عج) واقع در خیابان وزرا برگزار می‌شود.

درگذشت ناشر ایتالیایی آثاری از ادبیات معاصر ایران

بخش فرهنگی- مدیر انتشارات «پونته۳۳» که از ناشران ایتالیایی فعال در ترجمه آثار ایرانی به این زبان بود درگذشت. فلیچیتا فرارو کاردار فرهنگی سابق سفارت ایتالیا در تهران و مدیر انتشارات پونته ۳۳ در ایتالیا درگذشت. این ناشر و مترجم که در سال‌های اخیر در ایران نامی شناخته شده به شمار می‌رفت به دلیل ترجمه و انتشار آثاری از ادبیات معاصر ایران به زبان ایتالیایی میان نویسندگان ایران شناخته شده بود. از جمله آثار ایرانی ترجمه شده در مؤسسه وی می‌توان به «پرنده‌ی من» اثر فریبا وفی و «استخوان خوک و دست‌های جذامی» اثر مصطفی مستور، «احتمالا گم شده‌ام» اثر سارا سالار،«برو ولگردی کن رفیق» اثر مهدی ربی و«تو به اصفهان باز خواهی گشت» اثر مصطفی انصافی شاره کرد

وی همچنین پیش از این و در نمایشگاه کتاب تهران در سال ۱۳۹۵ به ایران سفر کرده و از این رویداد بازدید کرده بود.